

عطیه

دومین زائر اربعین

چکیده

عطیه عوفی به همراه جابر، نخستین زائران امام حسین علیه السلام در بیستم صفر سال ۶۱ هجری، هم‌زمان با اربعین شهیدان کربلا هستند و نام این دو همواره همراه با زیارت اربعین برده می‌شود. عطیه از تابعان و شیعیان برجسته امیرمؤمنان علیه السلام و یکی از رجال علم و حدیث و تفسیر قرآن بود. او که شاگرد جابر بن عبدالله انصاری، صحابی بزرگ رسول خداست، علاوه بر حدیث غدیر، حدیث زیارت اربعین را نیز از استادش نقل کرده است. عطیه فردی عالم، محدثی ژرف‌نگر، مفسری والا مقام و مسلمانی فعال در عرصه مسائل اجتماعی و سیاسی بود.

این مقاله پس از بیان شرح حال عطیه عوفی، معرفی خاندان و جایگاه علمی او به تبیین اندیشه‌ها و فعالیت‌های سیاسی او پرداخته و در پایان، حدیث غدیر و حدیث زیارت اربعین را از این نخستین زائر سیدالشهدا علیه السلام نقل کرده است.

واژگان کلیدی: عطیه عوفی، جابر، امام حسین علیه السلام، نخستین زائر، زیارت اربعین

هر جا یادی از اربعین و زیارت اربعین به میان می آید، نام جابر و عطیه هم برده می شود. هر دو از چهره های درخشان تاریخ اسلام شناخته می شوند. اما آنچه ایشان را از دیگر شخصیت ها متمایز می کند، این است که نخستین زائران امام حسین علیه السلام در اولین اربعین شهادت امام می باشند.

جابر بن عبدالله انصاری، از صحابه نزدیک رسول خداست که از سوی پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله مأموریت یافت تا سلام ایشان را به امام باقر علیه السلام برساند؛ چون پیامبر اکرم به او مژده داده بود که زنده می ماند تا زمانی که امام پنجم را ملاقات کند و چنین نیز شد. اما «عطیه عوفی» از تابعین و از شیعیان برجسته و والای امام علی علیه السلام است که افتخار همراهی جابر را در زیارت قبر اباعبدالله علیه السلام در اولین اربعین شهادی کربلا داشت. او همچنین یکی از رجال علم و حدیث و تفسیر قرآن بود که سزاوار است درباره شخصیت و زندگی او سخن گفته شود.

شرح حال و زندگی نامه

عطیه فرزند «سعد بن جناده عوفی» است که بین سال های ۳۶ تا ۴۰ هجری (بنابر اختلاف نقل ها) در شهر کوفه دیده به جهان گشود. طبق بعضی نقل ها چون در کوفه بزرگ شد، او را «کوفی» نامیده اند؛ ولی تولد او در کوفه نبوده است؛ زیرا پدرش «سعد بن جناده» اهل کوفه نبود. سعد از قبیل «ابن جدیل» و از نخستین اهالی شهر بیلاقی طائف در حجاز بود که اسلام آورد.

جناده از راویان مشهوری است که روایات بسیاری نقل کرده است. وی پس از وفات پیامبر گرامی اسلام ﷺ از یاران امام علی علیه السلام شد و در جنگ‌ها در رکاب آن حضرت بود و روایات بسیاری در این باره از او نقل شده است.

نام‌گذاری عطیه

محدث قمی می‌گوید:

طبری می‌گوید: عطیه فرزند سعد بن جناده عوفی، از جدیله قیس است که کنیه او ابوالحسن می‌باشد. ابن سعد، مورخ معروف می‌گوید: سعد بن محمد بن الحسن، فرزند عطیه نقل می‌کند: سعد بن جناده خدمت امیرالمؤمنین علیه السلام که در کوفه بود رسید و به آن حضرت عرض کرد: ای امیرمؤمنان! فرزند پسری برای من به دنیا آمده؛ شما نامی برای او انتخاب کنید. امام فرمود: این فرزند هدیه و عطای الهی است؛ پس او عطیه نامیده شد. عطا شده و هدیه الهی و مادر او از اهل روم بود.^۱

خاندان او

عطیه در یکی از خاندان‌های معروف عرب، از طایفه «بکالی» به دنیا آمد. بکالی تیره‌ای از قبیله بنی عوف بن امرؤ القیس شمرده می‌شد و در بین قبایل عرب شأن و منزلتی خاص داشت و چون او از قبیله بنی عوف بود، به او «عطیه عوفی» می‌گفتند.

جایگاه علمی او

عطیه در طبقات رجالی، جزو اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله به شمار نمی‌آید، بلکه جزو گروه تابعین است؛ چون پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را ندیده است تا از او حدیث نقل کند. او از اصحاب و یاران امیرمؤمنان علیه السلام و

◆
عطیه فرزند «سعد بن جناده عوفی» است که بین سال‌های ۳۶ تا ۴۰ هجری (بنابر اختلاف نقل‌ها) در شهر کوفه دیده به جهان گشود. طبق بعضی نقل‌ها چون در کوفه بزرگ شد، او را «کوفی» نامیده‌اند؛ ولی تولد او در کوفه نبوده است.

◆
سعد بن جناده خدمت امیرالمؤمنین علیه السلام که در کوفه بود رسید و به آن حضرت عرض کرد: ای امیرمؤمنان! فرزند پسری برای من به دنیا آمده؛ شما نامی برای او انتخاب کنید. امام فرمود: این فرزند هدیه و عطای الهی است؛ پس او عطیه نامیده شد.

امامان بعد از ایشان می باشد که عصر امام محمد باقر علیه السلام بلکه امام صادق علیه السلام را نیز درک کرده است. او از دانشمندان بزرگ و اسلام شناس عصر خود بود که راوی احادیث بسیاری نیز بوده است و مفسر قرآن نیز به شماره می رفته و پنج جزء قرآن را تفسیر کرده است.^۲

اساتید و شاگردان

عطیه استادانی برجسته داشت که معروف ترین آنان جابر بن عبدالله انصاری و عبدالله بن عباس می باشند و در بعضی کتاب ها نام هشت تن از اساتید او بیان شده است. در نقلی از او آمده است: «من تفسیر قرآن را سه بار و قرائت آن را هفتاد بار بر ابن عباس عرضه کردم».^۳ او شاگردانی را تربیت کرد که نام برخی از آنان در کتاب «تهذیب التهذیب» ثبت شده است. از مهم ترین این شاگردان، «اعمش» راوی معروف و سه تن از فرزندان خودش به نام های حسن و عمرو و علی هستند.^۴

بنابراین، آنچه برخی گفته اند که ایشان غلام جابر بوده، سخن نادرستی است که در هیچ یک از منابع مورد اعتماد دیده نشده؛ بلکه او شاگرد شریف و نجیب و مورد اعتماد صحابی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بوده است که افتخار همراهی او را در زیارت سرور و سالار شهیدان در اولین اربعین شهادتش داشت و جزء اولین زائران آن امام بزرگوار محسوب شود. سنت حسنه زیارت اربعین که امروز از باشکوه ترین و معنوی ترین مراسم های مسلمانان است، یادآور حضور این دو بزرگوار است و درک ابعاد عظمت این همایش فقط با رفتن و از نزدیک دیدن آن ممکن است.

اندیشه و فعالیت های سیاسی

عطیه گذشته از این که فردی عالم و محدثی ژرف نگر و مفسری عالی مقام بود، فردی فعال در زمینه مسائل اجتماعی و سیاسی نیز بوده است که قرائن و شواهد، این بُعد از زندگی او را روشن می کند:

۱. عطیه احادیثی را نقل کرده که بُعد سیاسی آنها بسیار قوی است؛ مانند حدیث ثقلین، حدیث ائمه اثنا عشر، حدیث سفینه نوح و تفسیر آیه ﴿انما یرد الله لیلذهب عنکم الرجس﴾، حدیث غدیر، منزلت، و سدّ ابواب مسجد غیر از باب علی علیه السلام و حدیث اعطای فدک به فاطمه علیها السلام توسط پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و احادیث بسیار دیگر.

۲. همراه جابر در آن موقعیت بسیار حسّاس و خطرناک، برای زیارت امام حسین (علیه السلام)، یزید خود را پیروز میدان می‌دانست و کسی را مانع ظلم و جنایتش نمی‌دید و تلاش می‌کرد تا با خاموش کردن صدای هر مخالفی، قیام عاشورا را موضوعی تحریف شده و قیام علیه حکومت خود معرفی کند. لذا حرکت جابر و عطیه برای رفتن به زیارت امام حسین و یارانش (علیهم السلام) از مدینه به کوفه و برگزاری عزاداری در کنار آن قبر مقدس، مهر تأییدی بر پیروزی واقعی قیام آن حضرت بود.

۳. تاریخ هیچ‌گاه جریان مبارزه سیاسی او را در ماجرای دستگیری‌اش به دستور حجاج بن یوسف فراموش نمی‌کند. در منابع تاریخی چنین آمده است:

عطیه استادانی برجسته داشت که معروف‌ترین آنان جابر بن عبدالله انصاری و عبدالله بن عباس می‌باشند و در بعضی کتاب‌ها نام هشت تن از اساتید او بیان شده است.

عطیه احادیثی را نقل کرده که بعد سیاسی آنها بسیار قوی است؛ مانند حدیث ثقلین، حدیث ائمه اثنا عشر، حدیث سفینه نوح و تفسیر آیه «انما یرد الله لیذهب عنکم الرجس» حدیث غدیر، منزلت، و سدّ ابواب مسجد غیر از باب علی (علیه السلام) و حدیث اعطای فدک به فاطمه (علیها السلام) توسط پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) و احادیث بسیار دیگر.

در کوفه قیام‌های متعددی شکل گرفت که یکی از آنها قیام عبدالرحمن بن محمد اشعث بود. این نهضت از خراسان آغاز شد و عده‌ای از بزرگان و دانشمندان و قاریان عراق مانند سعید بن جبیر و ابراهیم نخعی و عطیه عوفی هم در رکاب عبدالرحمن بودند. هنگامی که عبدالرحمن شکست خورد و دستگیر شد، عطیه به فارس گریخت و حجاج بن یوسف در نامه‌ای به محمد بن قاسم ثقفی دستور داد تا عطیه را دعوت کند و به او بگوید که علی بن ابی طالب را لعنت کند. پس اگر او را لعن کرد که هیچ و اگر چنین نکرد، چهارصد تازیانه به او بزند و موی سر و روی او را بتراشد. او عطیه را فراخواند و نامه حجاج را بر او قرائت کرد، اما عطیه حاضر به انجام دستور او نشد و او هم به دستور حجاج عمل کرد و چهارصد تازیانه به او زد و سر و محاسن او را تراشید. سپس زمانی که قتیبه بن مسلم بر مسند استاندارای خراسان نشست عطیه نزد او رفت و

در خراسان ماند تا زمانی که عمر بن هبیره حکومت عراق را به دست گرفت. در این زمان عطیه نامه‌ای به او نوشت و خواهان بازگشت به کوفه شد. هبیره هم به او اجازه بازگشت داد. عطیه به کوفه بازگشت و در کوفه بود تا این که در سال ۱۱۱ هجری قمری درگذشت.^۵

نمونه‌هایی از روایات عطیه

۱. حدیث غدیر

ابن مغزلی در کتابش با اسناد خود از عطیه عوفی روایت کرده که عطیه گفت: من ابن ابی‌أوفی را در دهلیز خانه‌اش دیدم و آن زمانی بود که بینایی چشمش را از دست داده بود. از او در مورد حدیث غدیر پرسیدم؛ گفت: همانا شما ای مردم کوفه، بدا به حال شما! گفتم: خداوند کار تو را بسازد و اصلاح نماید؛ من اهل کوفه نیستم و بر تو عار نیست که نمی‌دانی من اهل کوفه نیستم. او گفت: منظور تو کدام حدیث است؟ گفتم منظور حدیث علی در روز غدیر خم است. گفت: در حجة الوداع پیامبر اکرم ﷺ در روز غدیر خم میان ما آمد، در حالی که دست علی را گرفته بود و خطاب به مردم چنین فرمود: ای مردم! آیا نمی‌دانید که من نسبت به مؤمنان از خود آنان اولی هستم؟ همه گفتند بله یا رسول‌الله. فرمود: پس هر کس که من مولای او هستم، پس این علی مولای اوست.^۶

مرحوم علامه مجلسی می‌گوید:

حافظ ابونعیم در کتاب «ما نزل من القرآن فی علی» با سند خود از اعمش (شاگرد عطیه) و او از عطیه نقل کرد که عطیه گفت: آیه ﴿يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ﴾^۷ خطاب به رسول خدا در مورد علی بن ابی‌طالب ﷺ نازل شده است.^۸

۲. حدیث زیارت اربعین

طبری با سند خود از عطیه عوفی نقل می‌کند که گفت: من با جابر بن عبدالله انصاری به قصد زیارت قبر حسین بن علی بن ابی‌طالب بیرون آمدیم. زمانی که به کربلا رسیدیم، جابر نزدیک ساحل فرات شد و غسل کرد و یک ردا و یک ازار پوشید (همانند افراد مُحْرَم)، سپس کیسه‌ای را باز کرد که در آن سعد (گیاه خوشبو) بود و آن را به بدن خود زد و خود را

با آن خوشبو کرد. هر قدم که برمی داشت، ذکر خدای متعال را می گفت؛ تا این که به قبر مطهر حضرت نزدیک شد. وقتی رسید گفت: دست مرا روی قبر بگذار. من این کار را انجام دادم؛ پس او خود را روی قبر انداخت و از هوش رفت. پس من به روی او آب ریختم تا به هوش آمد. سه مرتبه صدا زد یا حسین و گفت: آیا دوست جواب دوست را نمی دهد؟! و خودش پاسخ داد: چگونه جواب بدهی در حالی که رگ های خونین تو در بالای شانها نمایان شده و بین بدن و سر مقدس تو جدایی افتاده است؟! پس من شهادت می دهم که تو فرزند خاتم پیامبران و فرزند آقای مؤمنان و فرزند هم قسم تقوا و سلاله هدایت و خامس اصحاب کسا و پسر آقای پاکیزگان و فرزند سرور زنان هستی، و چرا تو چنین نباشی، در حالی که دست آقا و سرور پیامبران به تو غذا داده و در دامن پرهیزکاران تربیت یافته ای و از دستان ایمان شیر خوردی و با اسلام سیراب شدی. پس زندگی و مرگ پاک و زیبا داشتی؛ ولی دل های مؤمنان از فراق تو ناخوش است. پس سلام خدا و خشنودی او بر تو باد و شهادت می دهم که تو از دنیا در گذشتی، همان گونه که برادر یحیی بن زکریا در گذشت و به فیض شهادت رسید.

سپس نگاهی به اطراف قبر مطهر حضرت سیدالشهدا (علیه السلام)

کرد و گفت: سلام بر شما ای ارواحی که در راه حسین (علیه السلام)

فدا شدید و شهادت می دهم که شما نماز را به پا داشتید و زکات را پرداختید و امر به معروف و نهی از منکر نمودید و با ملحدان جهاد کردید و خدا را آن قدر عبادت کردید تا به مرحله یقین رسیدید، و قسم به کسی که حضرت محمد (صلی الله علیه و آله) را جابر گفت: ای عطیه! از حبیب خود رسول خدا (صلی الله علیه و آله) شنیدم که فرمود: اگر کسی گروهی را دوست داشته باشد، با آن گروه محشور خواهد شد.

به نبوت و حق مبعوث کرد، ما در آنچه شما وارد شدید و عمل کردید، شریک هستیم. عطیه می‌گوید: به جابر گفتم: ما چگونه در ثواب آنها شریک هستیم، در حالی که ما نه به وادی فرود آمدیم و نه از کوهی بالا رفتیم و نه شمشیر زدیم، ولی این گروه میان سر و بدن‌های‌شان جدایی افتاده و فرزندان‌شان یتیم شده‌اند و همسرانشان بیوه گشته‌اند؟! جابر گفت: ای عطیه! از حبیب خود رسول خدا ﷺ شنیدم که فرمود: اگر کسی گروهی را دوست داشته باشد، با آن گروه محشور خواهد شد و کسی که کار گروهی را دوست بدارد، با آنان در کار آنان شریک خواهد شد، و قسم به آن کس که محمد ﷺ را به پیامبری مبعوث کرد، نیت من و نیت یاران بر آن چیزی است که امام حسین علیه السلام و اصحاب او بر آن گذشته و رفته‌اند. سپس گفت: دست مرا بگیر و به طرف خانه‌های کوفه ببر. جابر در بین راه گفت: ای عطیه! آیا می‌خواهی تو را وصیت کنم؟ زیرا گمان نمی‌کنم پس از این سفر، دیگر تو را ملاقات کنم. ای عطیه! دوست بدار دوستدار آل محمد را مادامی که او آنها را دوست دارد و دشمن بدار دشمن آل محمد را مادامی آنان را دشمن می‌دارد؛ اگرچه روزها روزه‌دار باشد و شب‌ها را به زنده‌داری بگذراند، و با محب آل محمد مدارا و نرمی داشته باش؛ زیرا اگر قدم آنها به سبب زیادی گناه بلغزد، قدم دیگر آنان به سبب محبت آنها ثابت و استوار خواهد ماند. همانا دوستداران آنان به سوی بهشت بازمی‌گردند و دشمنان ایشان به طرف آتش خواهند رفت.^۹

پی‌نوشت‌ها:

۱. شیخ عباس قمی، سفینه البحار، ج ۶، ص ۲۹۶ (به نقل از تنقیح المقال).
۲. همان.
۳. همان.
۴. همان.
۵. همان.
۶. محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۳۷، ص ۱۸۵ (به نقل از الطرائف).
۷. مائده، آیه ۶۷.
۸. بحار الانوار، ج ۳۷، ص ۱۹۰.
۹. عمادالدین قاسم طبری آملی، بشاره المصطفی، ص ۱۲۵، حدیث ۷۲؛ بحار الانوار، ج ۶۸، ص ۱۳۰، ح ۶۲.